



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

A Critique on the Punishment of Deprivation of Social Rights Stipulated in the Islamic Penal Code 2013 Based on the Constitution

Mirhamed Khani*¹, Mojtaba Dehghandar²

1. Researcher in Criminal Sciences and University Lecturer, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Researcher in Criminal Sciences and University Lecturer, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 197-211

oo rrepondng uu hlosss oooo

ORCID: 0009-0005-9777-4882

TELL: +981143217000

Email: Mirhamed.khani@gmail.com

Article history:

Received: 21 Oct 2021

Revised: 27 Nov 2021

Accepted: 22 Jan 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

Main Punishment,

Supplementary Punishment,

Secondary Punishment,

Deprivation of Social Rights,

Restoration of Dignity.

ABSTRACT

Deprivation of some social rights stipulated in Article 26 of the Islamic Penal Code 2013, which is the main and secondary punishments, is applied for a certain period according to conditions, and according to Note 2 of the article, social rights will be returned to the convict after the expiration of these terms, but according to the same Note, some social rights, even after the expiration of the term, are not returned to the convict of secondary punishment. In this research, which was carried out in a descriptive and analytical method using library sources, it was observed that this approach is in conflict with some of the principles of the constitution and needs to be amended.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Khani, M & Dehghandar, M (2022). "A Critique on the Punishment of Deprivation of Social Rights Stipulated in the Islamic Penal Code 2013 Based on the Constitution". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 197-211.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

نقدی بر مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در آیین قانون اساسی

میرحامد خانی*، مجتبی دهقان‌دار^۲

۱. پژوهشگر حوزه علوم جنایی و مدرس دانشگاه، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۲. پژوهشگر حوزه علوم جنایی و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

چکیده

محرومیت از برخی حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که به‌عنوان مجازات‌های اصلی و تبعی می‌باشد، طبق شرایطی برای مدت معین اعمال می‌گردد و براساس تبصره ۲ ماده اخیرالذکر، پس از سپری شدن این مواعد حقوق اجتماعی به محکوم اعاده می‌شود، اما طبق همین تبصره برخی حقوق اجتماعی، حتی پس از مضي مدت، به محکوم مجازات تبعی اعاده نمی‌گردد. در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته، مشاهده شد که این رویکرد با برخی از اصول قانون اساسی در تعارض بوده و نیازمند اصلاح است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۷-۲۱۱

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۴۸۸۲-۹۷۷۷-۹۰۰۵-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۱۱۴۳۲۱۷۰۰۰+

ایمیل: Mirhamed.khani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مجازات اصلی، مجازات تکمیلی، مجازات

تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، اعاده

حیثیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

سازمان یافته علیه بزهکاری با اهداف مشخص و شیوه‌های متعدد همانند هر برنامه دیگر سازماندهی روابط اجتماعی است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۵) و می‌توان گفت هدف از اعمال آن (کیفر) حول سه محور ترساندن، سزادادن و بازپروراندن^۲ خلاصه می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۴/۳)، اما قدرت عمومی هنگامی می‌تواند به مبارزه قاطع علیه بزهکاری مبادرت کند که پیش از آن حدود بزهکاری را تعیین کند. آنگاه وظیفه دارد با برگزیدن شیوه‌های متناسب ریشه‌کنی فعالیت‌های بزهکارانه، این مبارزه را هدایت کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۴۳/۱). در واقع نظام جزایی با اعلام کردن و نشان دادن اصیل‌ترین مصالح و ارزش‌های حاکم، حدود و ثغوری را که جامعه یا قدرت عمومی برای مجازات بزهکاران در نظر دارد، ترسیم می‌نماید و از طریق تحمیل مجازات، افراد را به احترام و رعایت قوانین جزایی وادار می‌نماید (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۲) که ریشه در اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قاعده فقهی قبح عقاب بلا بیان دارد. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌ها را به ۳ طبقه اصلی و تکمیلی و تبعی تقسیم شده است^۳ (باهری، ۱۳۹۴: ۲۴۴-۲۴۳).

۱-۱- مجازات‌های اصلی^۴

مجازات اصلی مجازاتی است که قانون‌گذار برای هر جرمی به‌طور خاص در نظر گرفته است و به‌صورت موردی در هر ماده قانونی معین شده^۵ و قاضی حسب مورد ملزم به تعیین آن است. در واقع مجازات اصلی ضمانت اجرای خاص اوامر و نواهی قانون جزاست.^۶ بنابراین قاضی نمی‌تواند برای مجرم مجازات اصلی تعیین نماید (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲/۲) و این مجازات‌ها مستقیم مورد حکم قرار می‌گیرند و اجرای آن

قانون‌گذار در فصل اول (مجازات‌های اصلی) از بخش دوم (مجازات‌ها) کتاب اول (کلیات) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۹ مجازات‌های تعزیری را درجه‌بندی نموده است و مجازات‌های اصلی می‌باشند. در درجات^۱ ۵، ۶، ۷ محرومیت از حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶ همین قانون (دوازده‌بندی حصری) را در مدت معین به‌عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته است. همچنین در فصل دوم (مجازات‌های تکمیلی و تبعی) بخش اخیرالذکر (مجازات‌ها) در ماده ۲۵ به مجازات تبعی پرداخته است که در مدت معین (۲، ۳، ۷ ساله) فرد محکوم را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از سپری شدن مواعد مقرر در این ماده طبق تبصره ۲ ماده ۲۶ حقوق اجتماعی به محکوم اعاده می‌شود، اما طبق قسمت دوم همین تبصره برخی از حقوق اجتماعی، حتی با گذشت این مواعد اعاده نشده و به‌طور دائمی از فرد محکوم به مجازات تبعی سلب می‌گردد که به نظر با حقوق شناخته‌شده فرد در قانون اساسی، انصاف و عدالت، یافته‌های جرم‌شناسی و شرع در تعارض است که ما در جهت روشن شدن موضوع اصلی پژوهش به ناچار ابتدا مختصر به طبقه‌بندی مجازات‌ها برحسب نسبت آن‌ها با یکدیگر، حقوق اجتماعی و حقوق فرد در قانون اساسی می‌پردازیم.

۱- طبقه‌بندی مجازات‌ها برحسب نسبت آن‌ها با یکدیگر (طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

کیفر بزهکاران از پدیده‌های زندگی گروهی است و در هر عصر و اجتماع انسانی دیده می‌شود. هر زمان که پدیده‌ای به نام جرم در این اجتماعات شناخته شده، انسان‌ها به شیوه‌ای به رویارویی با آن برخاسته و به نشانه انزجار به مقابله با آن دست زده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۸۱/۱). واکنش اجتماعی علیه بزهکاری در هر عصر و زمانی جنبه‌های قانونی خاصی به خود می‌گیرد، زیرا هر دولتی سیاست جنایی (لازرژ، ۱۳۹۶: ۲۸) خاص خود را تعقیب می‌کند. این سیاست مبارزه

^۲ - در واقع منظور از بازپروراندن اصلاح مرتکب، آشتی با جامعه و برگشت به اجتماع است.

^۳ - مجازات‌های تکمیلی و تبعی نیز از نوع تعزیر می‌باشند.

^۴ - Main Punishment

^۵ - که به آن عنصر قانونی جرم گفته می‌شود.

^۶ - در برخی قوانین خاص مانند قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ در فصلی با عنوان مقررات کیفری، در مواردی مجازات‌هایی را برای افراد در نظر گرفته است، مانند حبس درجه شش برای ترک انفاق.

^۱ - ماده ۱۹: مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: ...

درجه ۵: ... محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال.

درجه ۶: ... محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال.

درجه ۷: ... محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

به نظر برخی نویسندگان، هرچند اصطلاح مجازات تکمیلی برای این دسته از اختیارات قاضی به کار رفته شده است، اما شاید مجازات تکمیلی^۳ مناسب‌تر باشد، چراکه این دسته از مجازات‌ها به تکمیل مجازات اصلی نمی‌پردازد، بلکه به دنبال تکمیل اهدافی که مجازات اصلی نتوانسته است حاصل نماید، هستند (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵/۲-۱۰۴)، اما تکمیل در لغت به معنی تمام کردن، به پایان رساندن، کامل کردن می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۴۶۶) و در واقع تکمیل معنی تکمیل است و به نظر قانون‌گذار جهت استفاده از اصطلاح روان‌تر این اصطلاح را برگزیده است.

به سخن دیگر مجازات‌های تکمیلی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات‌های اصلی و اصل فردی کردن مجازات‌ها به آن افزوده می‌شود و افزون بر اینکه باید در دادنامه ذکر گردد، هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۶۷/۳) و دارای مدت معین، مصادیق حصری و از اختیارات دادگاه در مورد اعمال آن نسبت به فرد محکوم است.

قانون‌گذار در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن پرداخته و بیان داشته که: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید»^۴

الف - اقامت اجباری در محل معین؛ ب - منع از اقامت در محل یا محل‌های معین؛ پ - منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین؛ ت - انفصال از خدمات دولتی و عمومی؛ ث - منع

مستلزم صدور حکم قطعی از محاکم دادگستری^۱ است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۵۸) و تابع مجازات دیگری نیز نیستند. در حال حاضر قانون‌گذار در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مجازات‌های اصلی پرداخته و آن‌ها را به چهار قسم حدی، قصاص، دیات، تعزیری تقسیم کرده است و تعریف هریک از این مجازات‌ها در ماده ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ قانون فوق‌الذکر مختصر توضیح داده شده است و در این پژوهش جهت جلوگیری از اطاله کلام به شرح این مواد نمی‌پردازیم و خوانندگان می‌توانند جهت مطالعه بیشتر به این مواد مراجعه نمایند، البته در مورد مجازات‌های اصلی ایراداتی، از جمله بر درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری وارد است که بررسی آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج می‌باشد.

۱-۲- مجازات‌های تکمیلی^۲

اهداف مختلفی می‌تواند مد نظر قانون‌گذار در تعیین مجازات خاص برای جرم معین باشد، اما قانون به صورت کلی برای نوع افراد به تعیین مجازات می‌پردازد، چراکه به علت تفاوت افراد مختلف از نظر شخصیت، منش و تربیت و انگیزه و امور مختلف که به تفاوت افراد متفاوت هستند، بایستی راهکاری قانونی وجود داشته باشد که در صورت ناکافی بودن مجازات اصلی یا ضرورت داشتن برخورد مناسب در صورت عدم اجرای مجازات اصلی، قاضی صادرکننده بتواند مجازات اصلی را تکمیل کند (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۴/۲). در واقع علاوه بر مجازات اصلی، با توجه به نوع جرم ارتكابی و درجه اهمیت آن به تجویز قانون، مجازات دیگری را هم تعیین می‌کند، این مجازات اضافی را تبعی و گاهی تکمیلی می‌نامند (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۵۸).

^۱ - شورای حل اختلاف که یک مرجع غیرقضایی است و طبق بند «ح» ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا مجاز به رسیدگی و صدور رأی در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها صرفاً جزای نقدی درجه ۸ می‌باشد، حتی با اینکه رأی توسط قاضی شورا که توسط رییس قوه قضاییه از بین قضات شاغل یا بازنشسته انتخاب می‌شود، صادر می‌شود، با توجه به اینکه شورای حل اختلاف دادگاه نیست با اصل ۳۶ قانونی اساسی که مقرر داشته «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» که از حقوق ملت است در تعارض است.

^۲ - Accompanied Punishment

^۳ - قانون‌گذار در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ از اصطلاح تکمیلی و ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از اصطلاح تکمیل به جای تکمیلی استفاده کرده بود.

^۴ - تبصره ۱ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی: مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. زمان شروع این مجازات‌ها برحسب مورد متفاوت خواهد بود. به طور مثال طبق ماده ۱ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شروع مدت اقامت اجباری در محل معین بعد از اجرای حکم اصلی محکوم می‌باشد.

این هدف است. به بیان بهتر پیش‌بینی مجازات، چه اصلی و چه تکمیلی و تبعی پیشگیری واکنشی و کیفری محسوب می‌شود و علاوه بر اینکه باعث جلوگیری از تکرار جرم توسط محکوم می‌شود (ارعاب خاص)، از طرف دیگر با ایجاد رعب، وحشت (ارعاب عام) در افراد مستعد بزهکاری (یا بزهکاران حسابگر) از وقوع جرم جلوگیری می‌کند. این نوع پیشگیری (ارعاب عام) که کنشی تلقی می‌شود، مورد مطالعه جرم‌شناسان می‌باشد.^۴

۱-۲-۱- ایرادت وارده بر مجازات‌های تکمیلی

با اینکه قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹ با تصویب و اعمال اصلاحاتی در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درصد رفع اشکالات گذشته بر این نهاد بوده، اما همچنان ایرادی به‌جا مانده است و برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱- باتوجه به ماده ۲۳ دادگاه در صورتی که تمایل به اعمال مجازات تکمیلی در حق محکوم داشته باشد، علاوه بر رعایت شرایط مقرر در قانون، باید خصوصیات محکوم را نیز در نظر بگیرد که ریشه در اصل فردی کردن مجازات‌ها دارد. باتوجه به این موضوع، وجود پرونده شخصیت موضوع ماده ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به قاضی رسیدگی‌کننده کمک می‌نماید مجازات تکمیلی مناسبی را تعیین نماید، اما با توجه به اینکه در مورد افراد بالا ۱۸ سال در جرایم خاصی تشکیل پرونده شخصیت پیش‌بینی شده (مانند جرایم تعزیری درجه ۱، ۲، ۳، ۴)، اما مجازات تکمیلی برای تمام جرایم (به استثنا دیه) پیش‌بینی شده است، شناخت خصوصیات محکوم برای قاضی بدون وجود پرونده شخصیت دشوار خواهد بود.

۲- به نظر برخی نویسندگان اعمال مجازات تکمیلی در جرایم حدی و قصاص برخلاف ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و

از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری؛ ج - منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي؛ چ - منع از حمل سلاح؛ ح - منع از خروج اتباع ایران از کشور؛ خ - اخراج بیگانگان از کشور؛ د - الزام به خدمات عمومی؛ ذ - منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی؛ ر - توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم؛ ز - الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین؛ ژ - الزام به تحصیل؛ س - انتشار حکم محکومیت قطعی.»

امروزه برخلاف گذشته، یکی از اهداف تعیین مجازات توسط قانون‌گذاران پیشگیری از وقوع جرم است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۵) و جرم‌شناسان نیز پیشگیری را محور و از اهداف مطالعات و بیان نظریات خود معرفی نموده‌اند و آن را نقطه تلاقی و پیوند این رشته مطالعاتی با دیگر شاخه‌های علوم جنایی دانسته‌اند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۶۷-۴۱؛ نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۶۶-۵۴). جرم‌شناسی مدیریتی^۱ که شکلی از جرم‌شناسی کاربردی است، بزهکار را به‌عنوان یک کنشگر خردورز^۲ می‌نگرد که تصمیم‌های محاسبه‌شده‌ای درباره هزینه‌ها و سود رفتار مجرمانه‌اش می‌گیرد و با در نظر گرفتن این موضوع هدف جرم‌شناسان مدیریتی کاهش فرصت‌های جرم در راستای سنگین‌تر کردن هزینه‌ها و خطرهای جرم بر سود و نفع احتمالی آن است^۳، زیرا این جرم‌شناسان بزهکاران را حسابگر می‌دانند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۲۰۵-۲۰۴). قانون‌گذار نیز فارغ از مجازات‌های اصلی با الهام از یافته‌های جرم‌شناسی توجه ویژه به این هدف داشته و با پیش‌بینی مجازات تکمیلی و تبعی در واقع درصد جامه عمل‌پوشاندن به این هدف بوده است. از آن دو شرط... «عدم تکرار جرم» و «اصلاح مجرم» مقرر در ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز چنین استنباط می‌شود که هدف، جلوگیری از تکرار جرم است که با حذف زمینه‌های وقوع جرم یا کاهش آن‌ها و همچنین آموزش فرد محکوم و اصلاح وی، درصد نیل به

^۴- در سوره‌های عمران، اعراف، توبه، حج و لقمان بارها از امر به معروف و نهی از منکر که کارکرد پیشگیری از وقوع جرم را نیز دارد، به‌عنوان وظیفه‌ای ویژه برای امت پیامبر (ص) یاد شده و گاه در کنار باورهایی چون ایمان به خدا و معاد یا اعمالی چون نماز و زکات آمده است و در این راستا نیز قانون‌گذار در سال ۱۳۹۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را تصویب نمود.

^۱- مدیریت خطر فرصت‌های جرم (Administrative Criminology).

^۲- Rational Actor

^۳- این نوع پیشگیری که وضعی نام دارد، به‌طور عملی در دهه ۱۹۸۰ در انگلستان مطرح شد.

۴- طبق ماده ۴ قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹^۲ مطلق جرایم تعزیری (درجه ۱ تا ۸) اعم از عمد و غیرعمد، دارای مجازات تکمیلی شدند و اعمال آن نیز از اختیارات قاضی است و ممکن حتی برای مجازات درجه ۷ یا ۸ نیز اعمال شود که موضوعی قابل تأمل به نظر می‌رسد یا در مورد تعیین مجازات اقامت اجباری در محل معین به‌عنوان مجازات تکمیلی، از ماده ۱، ۲، ۴، ۵، ۶ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرایط مناسبی برای فرد محکوم پیش‌بینی نمی‌شود، بلکه حتی شرایط تبعید استنباط می‌گردد.^۳

۵- اگر بپذیریم که هدف از اعمال مجازات تکمیلی پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مرتکب است و در تکمیل مجازات اصلی می‌باشد، تعیین مدت برای آن صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا با وجود زمان موقت پیشگیری نیز موقت خواهد بود و احراز اصلاح مرتکب یا دفع شرایط وقوع مجدد جرم آسان نخواهد بود.

۶- به نظر مجازات‌های تکمیلی باتوجه به اهداف اعمال و نوع آن‌ها، نمی‌تواند مشمول نهادهای ارفاقی گردد و صرفاً در حیطه قسمت دوم ماده ۲۴ مشمول ارفاق می‌باشد، ولی همان‌طور که اشاره نمودیم، در برخی موارد مجازات تکمیلی سخت‌تر از مجازات اصلی می‌باشد.

۷- برخی از مجازات‌های تکمیلی احصاشده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز از حقوق اجتماعی هستند، اما برخلاف ماده ۲۵ همین قانون (مجازات‌های تبعی) که صراحتاً به حقوق اجتماعی اشاره کرده است، صراحتاً به آن

میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است» می‌باشد و تغییر در حدود ممکن نیست، مگر به نفع متهم باشد و باتوجه به اینکه حدود الهی، احکام خاص خود را دارد، بدیهی است که هیچ قاضی نمی‌تواند در جرم مستوجب حد مجازاتی بیشتر از مقدار تعیین‌شده حکم کند و نباید به قاضی اختیار داد تا در حدود شرعی که توسط شارع تعیین شده است، اعمال کیفر تکمیلی نماید (شیخ‌الاسلامی و جلالی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، اما به نظر وقتی قانون‌گذار در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی حدود و قصاص و دیه را در کنار تعزیر از مجازات اصلی برشمرده، نباید در اعمال مجازات تکمیلی نیز بین آن‌ها فرق گذاشت، زیرا هدف‌های اعمال مجازات تکمیلی به پس از ارتکاب جرم برمی‌گردد و فرد مرتکب به‌عنوان فردی از جامعه، موضوع آن است و نفع جامعه در آن منظور گردیده^۱ و به نظر طبق شرایط کنونی جامعه و یافته‌های جرم‌شناسی اعمال آن فارغ از واردبودن ایراداتی، مقرون به صواب بوده و منافاتی با شرع و حکم شارع مقدس ندارد و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است (صالحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۱؛ شاکری و رحیمی، ۱۳۹۸: ۴۲۶).

۳- موارد حصری مقرر در ماده ۲۳ که به‌عنوان مجازات تکمیلی بر محکوم اعمال می‌شود، در برخی موارد آن برخلاف اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها است. به‌طور مثال در بندهای الف - اقامت اجباری در محل معین؛ ب - منع از اقامت در محل یا محل‌های معین... این ماده، به‌طور مثال در صورت متأهل‌بودن محکوم فشار اصلی بر دوش خانواده وی خواهد بود یا در مورد بند خ - اخراج بیگانگان از کشور، این ماده، در صورتی که محکوم در ایرانی دارای همسر و فرزند باشد، همین مشکل وجود دارد، البته در بندهای دیگر نیز مشکلاتی از این قبیل وجود دارد.

^۲ - ماده ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹: صدر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به‌شرح زیر اصلاح و بندها و تبصره‌های ذیل آن ابقاء می‌شود: ماده ۲۳: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید.»

^۳ - اصل ۳۳ قانون اساسی بیان می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

^۱ - به‌طور مثال اگر زن و مردی ساکن یک مجتمع مرتکب زنا شوند، حتی پس از اجرای حکم نیز بستر تکرار جرم فراهم است و در این قبیل موارد اعمال بند «ب» ماده ۲۳ به‌عنوان مجازات تکمیلی مقرون به صواب خواهد بود.

اشاره نموده، درحالی که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که به مجازات تنمیمی^۱ پرداخت بود، صراحتاً به حقوق اجتماعی اشاره نموده است.^۲

۱-۳- مجازات‌های تبعی

مجازات‌های تبعی به آن دسته از مجازات‌ها اطلاق می‌شود که به لحاظ ماهیت، مشتمل بر محرومیت از برخی حقوق اجتماعی بوده که به موجب قانون و بدون نیاز به ذکر در رأی دادگاه و به محض احراز بزه و محکومیت قطعی و مؤثر متهم و به تبع حکم اصلی به‌طور قهری بر محکوم تحمیل می‌شود و از آن جهت که به تبع مجازات اصلی و در اثر آن نسبت به مجرم اعمال می‌شود، آن‌ها را تبعی می‌گویند (واحدی‌زاده و جباری، ۱۳۹۲: ۱۳۷). در واقع می‌توان گفت قانون‌گذار نیز به لحاظ بیم تکرار و تخریب محکوم‌علیه و دیگران، مجرم را از بعضی حقوق اجتماعی به مدت زمان معین محروم می‌کند که پس از تحمل کیفر اصلی، گریبان مجرم را برای مدت محدودی خواهد گرفت (ساجدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۵). مجازات‌های تبعی در قبل از انقلاب در شمار مجازات‌ها وجود داشت^۳، ولی

بعد از انقلاب معتقد بودند که کسی که مجازات می‌شود، پاک می‌گردد و نیاز به مجازات تبعی وجود ندارد، اما در سال ۱۳۷۷ در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی^۴ دوباره پیش‌بینی و وارد قانون شد (درگاهی‌خو و احمدی، ۱۳۹۵: ۸۲). در شرع مقدس نیز طبق آیه ۴ و ۵ سوره نور حکم شخص قاذف عبارت است از حکم به ۸۰ ضربه تازیانه که این به مثابه مجازات اصلی قذف است و علاوه بر آن از حق ادای شهادت محروم می‌شوند و باتوجه به عبارت «لَا تَقْبُلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» این محرومیت مادام‌العمر می‌باشد که این نیز به مثابه مجازات تبعی قذف است، البته در آیه بعدی، در صورت توبه و اصلاح، آثار تبعی جرم، یعنی محرومیت از شهادت رفع شده است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۹۸). در حال حاضر قانون‌گذار در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تغییراتی نسبت به قوانین پیشین به آن پرداخته و بیان داشته که: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛ ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛ پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.»

۱- همان‌طور که قبلاً اشاره نمودیم، قانون‌گذار قبل از سال ۱۳۹۲ به‌جای اصطلاح مجازات تکمیلی از اصطلاح مجازات تنمیمی استفاده می‌نمود.

۲- به‌نظر علت عدم اشاره به حقوق اجتماعی این است که برخی از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۳ حقوق اجتماعی به‌شمار نمی‌آیند، مانند اخراج بیگانگان از کشور.

۳- ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲: «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به قرار زیر است: ۱- محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی؛ ۲- اقامت اجباری در محل معین؛ ۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین؛ ۴- محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین؛ ۵- بستن مؤسسه؛ ۶- محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت. این مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید شود، تکمیلی است و در مواردی که قانوناً و بدون قید در حکم دادگاه باشد، تبعی است. تبصره ۱: مجازات‌ها و اقدامات مذکور ممکن است به‌موجب قانون مستقلاً نیز مورد حکم واقع شود، در این صورت جرم از درجه جنحه محسوب است.» ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲: «در مورد جرائم عمدی کسانی که به حبس جنجه‌ای محکوم می‌شوند ظرف پنج‌سال و کسانی که به حبس جنایی محکوم می‌شوند ظرف ده‌سال از تاریخ اتمام مجازات مذکور یا شمول مرور زمان در صورتی که محکومیت به جنایت و جنحه مؤثر چندیدی نداشته باشند، به اعاده حیثیت نائل می‌شوند و آثار تبعی محکومیت آنان زایل می‌گردد، مگر اینکه به‌موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در مورد عفو اگر محکوم‌علیه بلافاصله آزاد شود، تاریخ اتمام مجازات همان تاریخ عفو است، و الا خاتمه اجرای بقیه مجازات خواهد بود. تبصره ۱: در مورد جزای تکمیلی یا اقدامات تأمینی مندرج در حکم اعاده حیثیت و رفع محرومیت موکول به خاتمه اجرای آن‌ها یا شمول مرور زمان است، ولی اعاده حیثیت در سایر موارد به شرح مذکور در ماده فوق خواهد بود. تبصره ۲: در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی

با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود، محکوم‌علیه به اعاده حیثیت نائل می‌گردد.»

۴- ماده ۳ قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷/۰۲/۲۷: متن زیر به‌عنوان ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اضافه می‌شود: ماده ۶۲ مکرر: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل، محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضای مدت تعیین‌شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد: ۱- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج‌سال پس از اجرای حکم؛ ۲- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک‌سال پس از اجرای حکم؛ ۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه‌سال، دو‌سال پس از اجرای حکم.»

ماده در درجات ۱ تا ۵ تعزیری (اعم از حبس و غیر) در زمان اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم است. همچنین تبصره ۲ ماده ۲۵ نیز در جرایم قابل گذشت بیان می‌دارد در صورتی که شاکی یا مدعی خصوصی پس صدور حکم قطعی گذشت نماید، اجرای مجازات موقوف و اثر تبعی موقوف می‌شود که نشان‌دهنده این موضوع است که محکوم در حین اجرای مجازات نیز از حقوق اجتماعی محروم است. به بیان بهتر، محکوم در طول اجرای تمامی مجازات‌ها تا پایان اجرای مجازات اصلی از حقوق اجتماعی محروم است، اما در برخی جرایم طبق ماده ۲۵ مواعیدی به این مدت اضافه می‌گردد و پس از سپری شدن آن حقوق اجتماعی (به استثناء مواردی که دائمی هستند)، به وی اعاده می‌گردد، البته شاید گفته شود تسری محرومیت از حقوق اجتماعی به دوران اجرای محکومیت برخلاف اصل تفسیر به نفع متهم است، اما با اینکه در علم حقوق باب تفسیر همیشه مفتوح می‌ماند تا به کمک آن بتوان به راحتی به حل و فصل امور پرداخت (هاشمی، ۱۳۹۶: ۲۵۲)، اما باید گفت در این تبصره شکی وجود ندارد که باب تفسیر باز باشد، تا چنین تفسیری مناسبت داشته باشد و به نظر افزودن قیدی توسط قانون‌گذار به قسمت دوم این تبصره و تفکیک بین اینکه مجازات در حال اجرا از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۵ باشد یا مطلق جرایم منظور تبصره است، مقرون به صواب باشد.

۱-۳-۱- حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی^۲ در یک معنی محدود به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را دارد، به‌عنوان اینکه عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه‌ای خود و یا با به‌کارگیری دارایی خود در اجتماع تأثیر می‌گذارد. در معنای وسیع‌تر، حقوق اجتماعی به یک سلسله حق‌هایی اطلاق می‌شود که به‌منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است و این بی‌عدالتی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن

در مورد اینکه طبق تبصره ۳ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محکوم در مدت اجرای مجازات از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد یا نه؟ برخی نویسندگان بیان داشته‌اند اگر مجازات اصلی، دارای آثار تبعی باشد، این آثار در مدت زمان اجرای حکم نیز جریان خواهد داشت، یعنی اگر مجازات مورد حکم جز مجازات‌های مقرر در ماده ۲۵ نباشد، محکوم در طول مدت مجازات از حقوق اجتماعی محروم نخواهد شد (شمس‌ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). در مورد این دیدگاه، نظراتی می‌توان مطرح نمود. در تأیید این نظر می‌توان گفت اگر محکوم در طول مدت اجرای حکم (غیر از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۵) از حقوق اجتماعی محروم باشد، چه لزومی دارد که قانون‌گذار محرومیت از حقوق اجتماعی را برای مدت معین در درجات تعزیری ۵، ۶ و ۷ به‌عنوان مجازات اصلی در نظر بگیرد و در مخالفت بیان نمود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۷۵/۳)، در این تبصره که داری دو قسمت است، پس از پایان قسمت اول نقطه گذاشته شده و قسمت دوم نیز بدون هیچ قید شرطی صراحتاً چنین بیان می‌دارد: «... محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد» و همان‌طور که مشخص است، بین اینکه مجازات در حال اجرا باید از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۵ باشد یا نه تفکیکی قائل نشده است و از طرفی دیگر نیز می‌توان به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره نمود که بیان می‌دارد: «هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن محکوم کند» و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعزیر درجه یک تا پنج را به‌طور مطلق بیان نموده و در ادامه بیان داشته که «... از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت...» که نشان‌دهنده همین موضوع است که محکوم حداقل طبق این

^۲ - قانون‌گذار در سال ۱۳۷۷ با الحاق ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در تبصره ۱ آن بیان داشت: «حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به‌موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد.»

^۱ - تبصره ۳: «در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.»

ب - عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رییس‌جمهور.

پ - تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری.

ت - انتخاب‌شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم.

ث - عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف.

ج - اشتغال به‌عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی.

چ - استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها.

ح - اشتغال به‌عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترپاری.

خ - انتخاب‌شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام.

د - انتخاب‌شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی.

ذ - استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری.

ر - تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

تبصره ۱: مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به‌عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.

زندگی می‌کند (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). به عبارت بهتر، حقوق اجتماعی یک سلسله از امتیازاتی است که دولت‌ها با مشارکت فعالانه خود، باید برای ملت خویش فراهم آورند و حقوقی نظیر اشتغال، تأمین اجتماعی، بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش و... را در دستور کار و برنامه‌های خود قرار دهند (جوان‌آراسته، ۱۳۸۴: ۱۰۶). حقوق اجتماعی دارای ویژگی‌های به شرح ذیل است:

۱- این رشته حقوقی به افراد به‌طور کلی مربوط نمی‌شود، بلکه فرد به‌عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی مشخص مورد توجه قرار می‌دهد، مانند کارگران، کشاورزان و افرادی که از نظر اقتصادی ضعیف هستند.

۲- قواعد حقوقی در این زمینه‌ها جنبه حمایتی دارند، یعنی افراد یادشده را در برابر گروه یا گروه‌هایی که اینان تحت سلطه‌شان قرار می‌گیرند، حمایت می‌کنند.

۳- این حمایت جنبه اقتصادی و اجتماعی دارد و برای پیشرفت معنوی گروه‌های مورد حمایت، فراهم کردن منافع آنان را ضروری می‌شمارد.

۴- هدف نهایی آن است که به‌جای برخورد خصمانه میان گروه‌ها، بین آنان همکاری مسالمت‌آمیز برقرار کند (عراقی، ۱۳۸۱: ۴۴؛ موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۴-۲۶۳).

به‌طور خلاصه منظور از حقوق اجتماعی که به‌عنوان جلوه‌ای بنیادین از حقوق بشر، دربرگیرنده آن دسته از حقوق انسان‌هاست که به‌منظور برابری اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه رفع بی‌عدالتی‌های ناشی شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع شناسایی شده است (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۷: ۱۳۵) و قانون‌گذار در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن پرداخته و بیان داشته که حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

الف - داوطلب‌شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا.

و شلاق حدی مشمول مجازات تبعی می‌شوند، اما سایر مجازات‌ها مانند شلاق تعزیری، جزای نقدی، حبس درجه شش تا هشت، انفصال دائم و موقت، مصادره اموال، انتشار حکم در رسانه‌ها، محرومیت از حقوق اجتماعی مشمول مجازات تبعی نمی‌شود و منطق حاکم بر این تفکیک و علت آن توسط قانون‌گذار مشخص نیست، درحالی‌که به‌طور مثال مصادره کل اموال که تعزیر درجه یک محسوب می‌شود و طبق تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشد از حبس تعزیری درجه پنج است، فاقد مجازات تبعی است یا فرق اساسی بین حبس درجه شش و حبس درجه پنج می‌تواند یک روز باشد و طبق تبصره ۴ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درجه‌بندی مجازات‌ها نباید تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد، اما اگر فرضاً فردی به ۲۴ ماه حبس محکوم شود، مجازات تبعی ندارد، اما اگر به ۲۴ ماه و یک روز حبس محکوم شود، مجازات تبعی دارد و در این صورت به‌خاطر یک روز بیشتر، حبس درجه شش به حبس درجه پنج تبدیل می‌شود و بدین‌صورت مشمول بند «پ» ماده ۲۵ می‌شود و درنهایت باتوجه به تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پس از سپری‌شدن مواعد مقرر در ماده ۲۵ و اعاده حیثیت و برقراری مجدد حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶، به‌طور دائمی از داشتن حق داوطلب‌شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور، تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری محروم می‌گردد و این موضوع قابل تأمل و انتقاد است،^۴

^۴ - نکته قابل ذکر دیگر این است که در صورتی‌که محکوم به جرم عمدی به ۶ سال حبس (درجه ۴) محکوم شود که مشمول بند «ب» ماده ۲۵ است، اما در حین اجرای مجازات فرضاً پس از ۲۵ ماه مشمول تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد: «... محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید...» شود، حال باتوجه به اینکه مجازات تحمل‌شده وی حبس تعزیری درجه ۵ و مجازات مورد حکم حبس تعزیری درجه ۴ است، محکوم برای اعمال مجازات تبعی مشمول بند «ب» یا بند «پ» ماده ۲۵ است؟ یکی از شروط اعمال مجازات تبعی طبق ماده ۲۵ اجرای حکم است،

تبصره ۲: هرکس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد، پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ۲۵ این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد، مگر در مورد بندهای «الف»، «ب» و «پ» این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم می‌شود.^۱

البته حقوق اجتماعی مندرج در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخی از حقوق اجتماعی افراد جامعه است و قانون‌گذار کیفری نیز چنین صلاحیتی ندارد، حتی قانون اساسی نیز به‌هیچ‌وجه در صدد احصای جمیع حقوق ملت نبوده، بلکه تنها به مصادیق آن اشاره کرده است و چنانچه براساس مکتب اسلام حقی برای مسلمانان و دیگر انسان‌ها مقرر گردیده باشد، دولت و دیگران موظف به رعایت آن‌ها بوده و عدم ذکر آن‌ها در قانون اساسی به‌منزله عدم پذیرش آن‌ها نیست (شعبانی، ۱۴۰۰: ۱۵۶) و موارد ذکرشده در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توسط قانون‌گذار نیز به این علت است که با اعمال مجازات تبعی صرفاً این موارد احصا شده را که از نظر قانون‌گذار به دلایلی انتخاب‌شده از محکوم سلب نماید.

۲-۳-۱- ایرادت وارده بر مجازات‌های تبعی

اصل تساوی مجازات‌ها بر این استوار است که اصولاً همگی افراد جامعه در مقابل قانون با یکدیگر مساوی هستند و اجرای کیفر بدون توجه به فرد باید انجام شود، حتی در دین مبین اسلام نیز براین موضوع تأکید شده است^۳ (نوربها، ۱۳۹۷: ۳۷۷). باتوجه به بندهای سه‌گانه ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد، حبس تعزیری درجه یک تا پنج

^۱ - همان‌طور که اشاره شد، محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تعزیری اصلی نیز پیش‌بینی شده و از نحوه نگارش این تبصره مشخص است که اعاده حیثیت صرفاً مربوط به مجازات‌های تبعی می‌باشد، البته در مورد کلیه مجازات‌های اعمالی بر محکوم (به‌جز موارد مقرر در بندهای سه‌گانه ماده ۲۵) طبق تبصره ۱ ماده ۲۵ مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود، لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی‌گردد، مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

^۲ - مجازات‌ها در گذشته بسته به موقعیت و شخصیت انسان‌ها متفاوت بودند، حتی نحوه اجرای آن نیز در مورد افراد تفاوت داشت، امروزه نیز شخصیت افراد و موقعیت آن‌ها در مجازات‌ها مؤثر می‌باشد.

^۳ - حجرات/ ۱۳.

زیرا در این صورت به نوعی در این حقوق برای فرد مجازات مرگ اجتماعی ایجاد می‌شود. به نظر قانون‌گذار باتوجه به تبع زندگی در اجتماع و اجتماعی بودن انسان برای وی حقوق اجتماعی ایجاد نموده است (ویژه، ۱۳۹۹: ۱۵۲) و به همین علت نیز سلب این حق را در مواردی که تعیین می‌کند در صلاحیت خویش می‌داند. در واقع انسان موجودی است اجتماعی و برای نگهداری اجتماع لازم دیده است که قواعدی بر روابط اشخاص حکومت کند. پس از نظر تاریخی مفهوم حقوق با دولت (جامعه متشکل از افراد) ملازمه دارد و هدف اصلی آن ایجاد نظم است که بقای هم‌زیستی را تأمین کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۷). در این راستا طبق اصل ۲۸ قانون اساسی «هرکسی هر شغلی را که بدان مایل است، می‌تواند انتخاب کند، مشروط بر اینکه مغایر با دستورات اسلام و مصالح عمومی نباشد» و این امر یک حق مسلم برای هر فرد ایرانی است که به عهده دولت گذاشته شده و دولت موظف است بستر اشتغال را برای فرد فرد ایرانیان به‌طور مساوی فراهم نماید (ویژه، ۱۳۹۹: ۱۵۴) و نباید با قوانین عادی که ممکن است به هر علت بعد مدتی تغییر کند و حتی ممکن است ابهام نیز داشته باشد، از حق اساسی‌سازی شده در قانون اساسی به‌طور دائم محروم شود. اصل عدم محدود نمودن حق‌ها و آزادی‌های شهروندی و اصل استثنا بودن محدودیت باید مد نظر دولت باشد، زیرا هدف دولت طبق قانون اساسی محدود نمودن حق و آزادی‌های شهروندان نیست، بلکه حمایت این موارد است و حق شهروندی به حق‌های فردی، مانند آزادی اندیشه و امنیت جسمانی و حق‌های اجتماعی، مانند حق اشتغال، تفکیک می‌شود و معیارهای تقسیم‌بندی نحوه مداخله دولت یا نقش دولت است. در مورد حق‌های فردی دولت مانعی در برابر این حق‌ها ایجاد نمی‌کند و اجرای آن

از طرفی نیز طبق انتهای بند «ث» ماده ۱۳۴ همین قانون تعلیق اجرای مجازات در حکم اجراست. در تعارض این موارد، اصل تفسیر به نفع متهم چنین ایجاب می‌کند که باتوجه به اینکه محکومیت اجرا شده حبس درجه ۵ است، محکوم طبق بند «پ» از حقوق اجتماعی محروم شود نه بند «ب» (البته در محکومیت‌های دائمی قانون‌گذار فرقی بین این درجات نهاده است). زیرا هدف از اعمال تعلیق اجرای مجازات نیز جلوگیری تأثیر مواردی، از قبیل مجازات‌های تبعی در حق محکوم است. موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که محکوم به جای ۲۵ ماه در مال فوق ۲۴ ماه حبس (درجه ۶) تحمل نماید و همان‌طور که می‌دانیم، حبس درجه ۶ فاقد مجازات تبعی است.

تضمین می‌نماید و در مورد حق‌های اجتماعی دولت علاوه بر اینکه این حق را تضمین می‌کند، زمینه اجرای آن را فراهم می‌کند و در واقع دین دولت به شهروندان است (ویژه، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۵). به سخن دیگر از دید قانون‌گذار اساسی تعهد دولت در قبال این حقوق تعهد به وسیله است، درحالی‌که می‌توان تعهد دولت در خصوص حداقل‌ها را تعهد به نتیجه فوری و در سطوح بالا تعهد به نتیجه تدریجی دانست (اسداللهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳). به سخن بهتر می‌توان گفت آزادی کار و شغل شالوده اساسی نظام جمهوری اسلامی است و نمی‌توان از شغل و پیشه‌ای که بدان مشغول است و برخلاف شرع و قانون نیست منع نمود^۱ (هاشمی، ۱۴۰۰: ۴۷۷)، فارغ از اینکه منع اشتغال به شرحی که گذشت، چه به‌عنوان مجازات اصلی و چه به‌عنوان مجازات تکمیلی و تبعی در مواردی که فرد محکوم دارای همسر، فرزند و اشخاص واجب‌النفقة باشد، برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. در واقع همان‌طور که گفتیم، نباید با تصویب قوانین عادی که ممکن است به هر علت پس از مدتی نسخ یا اصلاح شود، حق اساسی‌سازی شده افراد در قانون اساسی به‌طور دائم سلب نمود. در شرع نیز همان‌طور که گفتیم، نمونه‌هایی از محرومیت دائم از حقوق اجتماعی دیده می‌شود، ولی با توبه فرد این حقوق به وی با می‌گشت^۲، اما در مورد مجازات تبعی مقرر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توبه مرتکب بی‌تأثیر است و این رویکرد قانون‌گذار مخالف با اهداف مجازات که یکی از آن اصلاح مرتکب و بازگشت به آغوش جامعه است، می‌باشد و در این زمینه جرم‌شناسان نظریه برجسب‌زنی بیان می‌دارند، جرم در واقع محصول کارخانه قانون‌گذاری است که براساس مفاهیم قراردادی

^۱ در این زمینه در اسناد بین‌المللی و مقاله‌نامه شماره ۱۲۲ سال ۱۹۶۴ که کشور ایران نیز در ۱۳۵۱/۰۲/۱۸ به آن ملحق شده که مربوط به سیاست اشتغال است، دارای اهمیت ویژه می‌باشد و در بند «ج» از ماده ۱ آن بیان داشته که آزادی انتخاب شغل باید به ترتیبی باشد که هر کارگر، بدون توجه به نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، عقیده سیاسی، وابستگی ملی و منشأ اجتماعی، همه امکانات لازم را برای داشتن شغل مناسب و استفاده شخصی از قابلیت خود در اختیار داشته باشد.

^۲ جرم‌شناسان طبق نظریه جمهوری‌خواه بر این باورند باید به بزهدار فرصت داده شود تا با پی‌بردن به رفتار ناپسند و مجرمانه خود با اظهار پشیمانی و عذرخواهی از جامعه و بزهدیده مجدداً وارد اجتماع شود.

در معرض تاوان سنگین‌تری به جهت بازسازی اجتماعی مرتکبین قرار داد^۱ (محبی و ریاضت، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

۱-۴- شباهت‌ها و تفاوت‌های مجازات‌های تکمیلی و تبعی

مجازات‌های تکمیلی و تبعی با مجازات‌های اصلی نیز دارای تشابه و تفاوت‌هایی هستند. به‌طور مثال انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها مجازات اصلی درجه ۶ و از طرفی نیز به‌عنوان مجازات تکمیلی قابل اعمال است. همچنین محرومیت از حقوق اجتماعی، به‌عنوان مجازات اصلی تعزیری درجه ۵، ۶ و ۷ قابل اعمال است و از طرف دیگر به‌عنوان مجازات تبعی در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش جهت جلوگیری از اطاله کلام صرفاً به تشابه‌ها و تفاوت‌های مجازات‌های تکمیلی و تبعی با یکدیگر به شرح ذیل می‌پردازیم:

۱- مجازات‌های تکمیلی و تبعی هر دو تعزیر محسوب می‌شوند.

۲- مجازات‌های تکمیلی در برخی موارد محرومیت از حقوق اجتماعی را دربر می‌گیرد و مجازات‌های تبعی کلاً مربوط به حقوق اجتماعی مقرر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است.

۳- مجازات‌های تکمیلی و تبعی هر دو برای مدت معین اعمال می‌شود و در مجازات‌های تبعی به‌طور استثنایی مواردی به‌طور دائمی می‌باشد.

۴- مجازات‌های تبعی به‌طور قهری^۲ و مجازات‌های تکمیلی به‌طور اختیاری، بر محکوم اعمال می‌شود.

ناشی از دیدگاه صاحبان قدرت از رفتار تعیین می‌شود. در واقع رویکرد سازمانی تأکید می‌کند که جرم یک واقعیت عینی نمی‌باشد. قطع نظر از جهات‌داری بودن «جرم‌انگاری» نظریه برچسب‌زنی به دلیل امکان بدنام کردن افراد، نقش‌پذیری افراد برچسب‌خورده و اثرات منفی این اقدام بر روی روحیه، شخصیت و زندگی اجتماعی و فردی افراد می‌تواند قضاوت فرد نسبت به خود و ارزیابی دیگران نسبت به او را دگرگون کند و ممکن است او را در تداوم اقدامات مجرمانه مصمم‌تر سازد و اگر بی‌گناه برچسب خورده باشد و یا خود را بی‌گناه بداند (به‌ویژه جوانان)، برای اعتراض به این امر و یا انتقام از جامعه رفتار مجرمانه را به صورت حرفه‌ای در پیش گرفته و نوعی هویت‌پذیری در زمینه رفتار مجرمانه در او به وجود خواهد آمد (نجفی توانا، ۱۳۹۷: ۹۳-۹۲) و هیچ قانون‌گذاری نمی‌تواند افراد را از حقوق اجتماعی محروم کند، به‌طوری‌که حتی پس از اعاده حیثیت (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۲۳/۲-۱۲۰)

نیز از آن به‌طور دائم محروم شود، حتی به نظر برخی، محروم کردن افراد از برخی حقوق اجتماعی به‌صورت دائمی عادلانه نیست و فاقد مبنای متقن است (توجهی، ۱۳۹۲: ۵۷).

در واقع باید گفت تالی فاسد‌پذیرش دائمی بودن محرومیت از حقوق اجتماعی محدود نمودن دایره افراد جهت تصدی برخی امور کشور کم خواهد شد، البته به نظر برخی نویسندگان که نظر قابل تأملی نیز می‌باشد، حقوق مندرج در این ماده (ماده ۲۶) متضمن صلاحیت ورود به سیستم حکومتی است که محکومین به جهت عدم صلاحیت از این حقوق محروم می‌گردند و نادیده‌انگاری این عدم صلاحیت ظلم به جامعه سرنوشت اجتماع است و این محرومیت ولو دائمی منافاتی با

انگیزه اصلاح مرتکب ندارد و لزومی هم نیست که شخصی که از تکرار جرم صرف نظر نموده و باز اجتماعی شده است مسؤولیت سنگینی در حکومت و جامعه مانند ریاست قوه قضاییه یا عضویت در شورای نگهبان برعهده بگیرد و یا امکان داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس خبرگان و رهبری را داشته باشد! لذا اساساً محرومیت از حقوق مندرج در این ماده برخلاف نظر برخی موجب ناامیدی محکوم از برگشت به جامعه نخواهد بود که اگر بر فرض نیز چنین باشد، نمی‌توان برای ایجاد انگیزه جامعه و حکومت را

^۱ - به‌طور مثال اگر فردی به علت ارتکاب جرمی در ۱۹ سالگی به حبس درجه ۵ محکوم شود و پس از ۲۰ سال زندگی شرافتمندانه و تحصیلات عالی، به دلیل اینکه در سنین پایین به دلایل مختلف، حتی به دلیل جهل به حکم و شرایط مختلف از قبیل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی مدتی را در حبس بوده، نتواند به جامعه خدمت نماید، با عقل، منطق و عدالت در تضاد است، فارغ از اینکه فرض بر این است هیچ قاضی اشتباه نمی‌کند و تمامی آرا به درستی صادر شده است.

^۲ - البته طبق ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود و از این ماده مشخص می‌شود که به‌طور استثنایی اعمال مجازات تبعی در اختیار دادگاه بوده که می‌تواند در جرایم غیرعمدی نیز آن را اعمال کند.»

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، چاپ سی‌وهفتم، تهران: انتشارات میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- اسداللهی، صادق؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر؛ عباسی، بیژن و نیاورانی، صابر (۱۳۹۹). «تضمین قضایی و اخلاقی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». *نشریه پژوهش‌های اخلاقی*، ۲(۱۱): ۵-۲۶.
- افراسیابی، محمداسماعیل (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر فردوسی.
- الهام، غلام‌حسین و برهانی، محسن (۱۳۹۳). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- باهری، محمد (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. چاپ اول، تهران: نشر قوه قضاییه.

۵- دایره شمول مجازات‌های تکمیلی بیشتر از مجازات‌های تبعی است. به‌طور مثال در مجازات‌های تعزیری، مجازات تکمیلی شامل جرایم عمدی و غیرعمدی در تمام درجات می‌شود، درحالی‌که مجازات‌های تبعی، در جرایم عمدی مشمول حبس تعزیری درجه یک الی پنج اعمال می‌گردد.

۶- مجازات تکمیلی باید در حکم دادگاه قید شود، اما مجازات تبعی در حکم دادگاه قید نمی‌شود.

۷- مجازات‌های تکمیلی قابلیت تشدید، تخفیف یا لغو دارند، اما مجازات‌های تبعی قابل تغییر نیستند.

۸- مبنا مجازات در مجازات‌های تکمیلی و تبعی، مجازات مقرر در دادنامه است (مجازات قضایی) نه مجازات قانونی جرم.

نتیجه‌گیری

از شرحی که گذشت، می‌توان چنین استنباط نمود که قانون‌گذار در تعیین مجازات‌های تکمیلی و تبعی دقت لازم را منظور نداشته است و در برخی موارد، اصول و حقوق مقرر در قانون اساسی برای افراد جامعه را نادیده گرفته و حتی در آخرین اصلاحات در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۹ نیز به این ایرادات توجه ننموده است. بارزترین ایراد در مجازات‌های تکمیلی در برخی موارد عدم توجه به اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها که بر خانواده محکوم نیز تأثیر می‌گذارد و دایره شمول وسیع آن به نوعی که در مطلق جرایم تعزیری (عمدی و غیرعمدی) حتی تعزیر درجه ۷ و ۸ که به‌عنوان خفیف‌ترین نوع تعزیر شناخته می‌شوند، اختیار اعمال مجازات تکمیلی را به دادگاه داده است. در مجازات تبعی که به‌طور قهری اعمال می‌شود، قانون‌گذار در برخی جرایم آن را پیش‌بینی نموده است و با توجه به شدت و اهمیت جرم ارتكابی مواعید ۲، ۳، ۷ ساله برای اعاده حیثت محکوم در نظر گرفته، اما در مواردی که محرومیت دائمی پیش‌بینی نموده، هیچ فرقی بین این مجازات‌ها ننهاده است و از طرفی دیگر نیز ماده‌ای به مانند ماده ۲۴ در مورد مجازات‌های تکمیلی در نظر نگرفته است تا مشمولین مجازات‌های تبعی از ارفاق بهره‌مند شوند و این موارد به نظر نیازمند بررسی و اصلاح توسط قانون‌گذار می‌باشد.

- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴). *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*. قم: نشر معارف.
- درگاهی خو، حمید و احمدی، امین (۱۳۹۵). *شرح جامع قانون مجازات اسلامی*. چاپ سوم، تهران: نشر ارشد.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). *درآمدی بر جرم‌شناسی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- ساجدی نژاد، سیدحامد (۱۳۹۰). *تحلیل فقهی و حقوقی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.
- شاکری، ابوالحسن و رحیمی، ذبیح‌اله (۱۳۹۸). «مجازات تکمیلی: شرایط و چگونگی در پرتو رویه قضایی». *نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۲): ۴۱۹-۴۴۸.
- شعبانی، قاسم (۱۴۰۰). *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*. چاپ شصت‌ویکم، تهران: نشر اطلاعات.
- شمس ناتری، م‌محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- شیخ‌الاسلامی، عباس و جلالی، الهام (۱۳۹۵). «نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قلمرو مجازات‌های تکمیلی». *نشریه وکیل مدافع*، ۱۵(۱۵): ۱۳۷-۱۵۱.
- صالحی مقدم، مهدی؛ حسینی، شهربانو و اصغری، عبدالرضا (۱۳۹۷). «چالش‌های فقهی تحمیل مجازات‌های تبعی و تکمیلی بر مرتکبان جرائم حدی و قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۵(۱۶): ۱۵۷-۱۸۶.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۲). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۷). *حقوق اساسی*. تهران: انتشارات میزان.
- طبرسی، ابوعلی (۱۴۰۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، بیروت: نشر دارالمعرفه.
- عراقی، سیدعزت‌الله (۱۳۸۱). *حقوق کار*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ اول، تهران: انتشارات اشجع.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *کلیات حقوق*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ بیست‌وسوم، تهران: انتشارات میزان.
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۶). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- محبی، جلیل و ریاضت، زینب (۱۳۹۷). *شرح قانون مجازات اسلامی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). «بررسی مبانی حقوق اجتماعی». *نشریه مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۱(۲): ۲۶۱-۲۷۹.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی*. چاپ بیستم، تهران: نشر آموزش و سنجش.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی*. چاپ بیستم‌ودوم، مشهد: نشر آوای حکمت.
- نوربها، رضا (۱۳۹۷). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- واحدی‌زاده، جواد و جباری، سیدمحمد (۱۳۹۲). «جایگاه مجازات‌های تبعی در نظام کیفری اسلام». *فصلنامه تعالی حقوق*، ۵(۴): ۱۳۷.

- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۹). کلیات حقوق اساسی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.

- هاشمی، محمد (۱۳۹۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات میزان.

- هاشمی، محمد (۱۴۰۰). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.

